

مسافر!

باید وارد مجاهده با قصد خالص شد البته آن وقت نفس اصلاح می شود. تمام صفات نفسانیّه قابل اصلاح است، لیکن در اول امر کمی زحمت دارد. آن هم بعد از ورود در اصلاح سهل و آسان می شود. عمده به فکر تصفیه و اصلاح افتادن است و از خواب بیدار شدن است. منزل اول انسانیت «یقظه» است. و آن بیدار شدن از خواب غفلت و هشیار شدن از سکر طبیعت است، و فهمیدن اینکه انسان مسافر است، و هر مسافر زاد و راحله می خواهد. زاد و راحله انسان خصال خود انسان است.



[امام خمینی رحمه الله علیه ، چهل حدیث ، مرکز فرهنگی رجا ، چاپ دوم ، ۱۳۶۸ ، ص ۸۵]

آرزوهای دور و دراز یعنی این!

الكافي فيما ناجى الله عز و جل به موسى عليه السلام: يا موسى لا تطول في الدنيا أملك فيقسو قلبك و القاسى القلب متى بعيداً. (الشافى صفحه ۵۷۲)

از وصایای پروردگار عالم به حضرت موسی یکی این است که : ای موسی! آرزوهای خود را درباره دنیا دور و دراز نکن! معنای آرزوی دور و دراز این است که انسان همین طور که با خودش فکر می کند، آرزو می کند، من فلان طور خانه، فلان طور زندگی یا تشریفات، فلان مقدار پول را داشته باشم. همین طور آرزو کند در آینده این چیزها را داشته باشم، اینها آرزوهای دور دراز است. نباید اشتباه کرد این را با برنامه ریزی برای دنیا. یک وقت انسان برای زندگی خود یک برنامه ریزی می کند، که این برنامه ریزی، برنامه ریزی معتدل و عاقلانه ای است، عملی است، منطبق با واقعیت است. این اشکالی ندارد، خوب هم است؛ عمل لدنیاک کاتک تعیش ابداء. اما اینکه مرتب در دل آرزوهای خام پیروزانند، مثل همان داستان معروف که کسی کوزه روغنی داشت، گفت: این روغن را می فروشم، پولش را چند گوسفند می خرم. بعد آن گوسفندها گله ای می شوند بعد دختر فلانی را می گیرم، این طور زندگی درست می کنم و بعد هم زد کوزه را به اشتباه شکست و روغنها هم ریخت! همه آرزوها بر باد رفت. آرزوهای دور و دراز یعنی این. خاصیت آرزوهای دور و دراز طبق این روایت این است که دل را قسی میکند، آن نرمش دل و تاثیرپذیری دل را در مقابل امرالهی، در مقابل حساب الهی، در مقابل یاد مرگ را از بین می برد. غفلت بر انسان عارض می شود. قساوت قلب خیلی چیز بدی است. کسانی هستند که شبانه روزی بر آنها می گذرد و یک بار در این بیست و چهار ساعت دلشان متوجه پروردگار عالم نمی شود! این قساوت قلب است. بعضی که خیلی از این بدتر؛ عمری از آنها می گذرد، ولی به یاد خدا نمی افتند. بایستی قلب به یاد خدا باشد. وقتی انسان به یاد خدا بود، حالت تضرع و بگاء هم بوجود می آید. بزرگانی که اهل معنا و اهل سلوکنند، می گفتند: وقتی انسان در حالت نماز، در حال دعا، در حال توجه به پروردگار است، به طور طبیعی دل تحت تاثیر قرار می گیرد و اشک جاری می شود. این خیلی حالت خوب است. قساوت نقطه مقابل این است. بعد فرمود: کسی که دچار قساوت قلب و سختی دل است، دور از خدای متعال است.

[شرح حدیث از حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای در مقدمه درس خارج ، ۱۳۸۸/۰۷/۲۶]

برترین عمل!

[بررسی گناهان کبیره در مواظب آیت الله مجتهدی تهرانی، بوستان قرآن، چاپ ششم ۱۳۹۵، ص ۴۸ و ۴۹]

محمد بن مسلم از امام چهارم علیه السلام پرسید : « أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ ؟ » « در میان اعمال چه عملی از همه بالاتر است ؟ » قال علیه السلام « ما من عمل بعد معرفة رسول الله أفضل من بعض الدنيا » هیچ عملی بعد از شناسایی خدا و شناسایی رسول خدا ، برتر از بعض دنیا نیست. « شما دیده اید با یک کسی که دشمن هستند حاضر نیستید حتی با او حرف بزنید، با دنیا هم باید همین جور باشید. بغض دنیا باید توی دلتان باشد. محبت آخرت باید توی دلتان باشد . البته معنی بغض دنیا این نیست که از کار و زندگی دست بکشی و دنبال کسب و کار نروی ، بلکه معنی بغض دنیا این است که دنبال حرام نروی و الا اگر دنبال روزی حلال باشی که به زن و بچه نان بدهی که این حب آخرت است. بغض دنیا یعنی اینکه دنبال گناه نروی دنبال حرام نروی . اگر دنیا خواست تو را گول بزند ، گولش را نخوری . همانطور که گول دشمنان را نمی خورید، گول دنیا را هم نخورید؛ که این افضل اعمال است.

چهار تا آمن!

دوستانی که در دوره قم بودند می‌دانند که من لاقلاً ۱۲ سال در خدمت ایشان (امام خمینی رحمه الله علیه) تحصیل کرده‌ام؛ باز در سفری که به پاریس رفتم چیزهایی از روحیه این مرد کشف کردم که نه تنها بر ایمان من بلکه بر حیرت من افزود. وقتی که برگشتم رفقا پرسیدند چه دیدی؟ گفتم چهارتا «آمن» دیدم: «آمن به‌دفعه» به هدفش ایمان دارد. دنیا جمع بشوند نمی‌توانند او را از هدفش منحرف کنند. «آمن بسبب» به راهی که برای هدف خودش انتخاب کرده ایمان دارد؛ امکان ندارد او را از این راه منحرف کرد؛ شبیه همان ایمانی که پیغمبر به هدفش و به راه خودش داشت. و «آمن بقوله». من دیدم در همه رفقا و دوستانی که من سراغ دارم احدی به اندازه ایشان به روحیه مردم ایران ایمان ندارد. افرادی به ایشان می‌گویند کمی آرام‌تر، مردم سرد می‌شوند، مردم از پا درمی‌آیند. می‌گویند مردم این طور نیستند که شما می‌گویید، من مردم را از شما بهتر می‌شناسم.

از همه بالاتر: «آمن برزیه». در جلسه خصوصی ایشان به من گفت: «فلانی این ما نیستیم [که این نهضت را ایجاد کرده‌ایم] من دست خدا را حس می‌کنم.» آدمی که دست خدا و عنایت خدا را حس می‌کند و در راه خدا قدم برداشته، مصداق آن اصل قرآنی است: **ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ** «۲» تو اول یک قدم به طرف خدا بردار، خدا به تو عنایت می‌کند.

[مرتضی مطهری ، آینده انقلاب اسلامی ایران ، تهران ، انتشارات صدرا، چاپ سی و یکم : ۱۳۸۹ ، ص ۵۰ و ۵۱]

اخلاص در عمل!

در روایات می‌فرمایند: «عمل بدون علم» فایده ندارد و «علم بدون عمل» هم فایده ندارد؛ یعنی آن ثمر و میوه ای که انسان می‌خواهد از چیزی به دست بیاورد ، اگر علم و عمل با هم نباشد به دست نمی‌آورد؛ هم در اهداف مادی و هم در اهداف معنوی این طور است . اول دستور العمل است، سپس عمل. دستور العمل بدون عمل فایده ندارد؛ عمل بدون دستورالعمل هم فایده ندارد. اول باید بدانم؛ بعد هم باید به این دانستن عمل کنم. وقتی عمل کردی باید برای روح تو یک حالتی ایجاد کند. اگر آن حالت هم برای روح تو ایجاد نشد، باز هم فایده ندارد؛ لذا می‌فرمایند: یعنی آن حالت ناشی از عمل است و آن عمل هم ناشی از علم است. خوب ، کدام عمل است که آن حالت را برای روح ایجاد می‌کند؟ نکته اش همین جا است؛ آن عملی است که از روی اخلاص باشد.

[از فرمایشات آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی رحمه الله علیه : ادب الهی (کتاب دوم) تهران ، مصابیح الهدی، ۱۳۹۱ ، ص ۳۵ و ۳۶ .]

قانون مستی گری!

محمد آقا [محمد باقری معروف به محمد عروس] درباره آن روز [قیام خرداد ۱۳۴۲ در تهران] گفت: « بعد از این که شهربانی و ساواک ریختن، و ما رو کت بسته بردن به شهربانی، حاج اسماعیل رضایی، حاج حسین شمشاد، و... دستگیر شدن. همه آنها، بارفروشهای میدان بودن و به خاطر آقای خمینی ریختن تو خیابون و به نفع او شعار دادند؛ اما سردمدار همه اینها، طیب بود. چند ساعت بعد از دستگیری ما، طیب حاج رضایی رو کت بسته آوردند و تو بند ما انداختن. وقتی ما رو به زندان باغ شاه بردند، طیب هم همراهمون بود. سران مملکت جلسه گذاشتند که با طیب زد و بند کنند و وادارش کنند که بگه خمینی به من پول داده تا بارفروشها رو تیر کنم. آن روز در دادگاه، طیب رو به سرهنگ نصیری گفت: حرفهای شما درست؛ اما ما تو قانون مشتی‌گری، با بچه های حضرت زهرا در نمی‌افتیم. من این سید رو نمی‌شناسم؛ اما با او در نمی‌افتم. عاقبت، دادگاه شاه، به اسماعیل حاج رضایی، طیب حاج رضایی، من و حاج علی نوری حکم اعدام داد و به برادران کاردی و شمشاد و بقیه، ده تا پانزده سال زندان دادند. بعد از اعلام حکم، ما را به بندهامون منتقل کردند. نصف شب، مأمور شهربانی آمد و زد به در زندان و گفت: محمد باقری! حاج علی نوری! اعلحضرت با یک درجه تخفیف، عفو ملوکانه به شما داده.

اینها را گفتند تا طیب تو بزنه و از ترس اعدام، حرفش رو پس بگیره و بگه آقای خمینی منو تعریک کرد؛ اما طیب که تو یک سلول دیگه زندانی بود، بلند گفت: این حرفها رو برای ننهات بزنی! یک بار گفتم، باز هم می‌گم، من با بچه حضرت زهرا در نمی‌افتم. فردا شب، صدایی از سلول طیب آمد. فهمیدم دارن می‌برندشان برای اعدام. وقتی می‌رفتن، طیب زد به میله سلول من و گفت: محمد آقا! اگه یک روز خمینی رو دیدی، سلام منو بهش برسون و بگو خیلی‌ها شما رو دیدند و خریدند ، ما ندیده شما رو خریدیم. نیم ساعت بعد، صدای رگبار اومد و معلوم شد که تیربارونشون کردن. طیب، رسم مردانگی رو به جا آورد و عاقبت به خیر شد. هنوز هم هیرون کار طیب هستم. » بعد از پیروزی انقلاب، محمد آقا با جمعی از مردان انقلابی خدمت امام خمینی رسیدند و با ایشان عکس یادگاری انداختند. وقتی محمد آقا پیام طیب را به امام گفت، امام فرمود: طیب، خر دیگری بود.

(گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی ، طیب ، تهران انتشارات ابراهیم هادی ، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۵، ص ۱۷۲ و ۱۷۳)



سوال پاسداری فرزندش در قم متولد و سه ساله که می‌شود او را به تهران منتقل می‌کند، آیا قم وطن فرزند محسوب می‌شود؟

جواب قم وطن فرزند نمی‌شود.

« استفتاءات انجام شده از دفتر مقام معظم رهبری: تهیه شده در: دفتر تائید شرعی نمایندگی ولی فقیه در سپاه »